

۲۳۵۱۲۵۱
۱ ۴۲ ۱۱۲۲

امکان‌سنجی جبران مادی خسارت‌های معنوی

www.ketab.ir

تألیف

دکتر محسن اسماعیلی

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران



شماره مسلسل ۱۱۴۴۱

شماره انتشار ۴۵۹۴

انتشارات دانشگاه تهران

سرشناسه	: اسماعیلی، محسن، ۱۳۴۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: امکان‌سنجی جبران مادی خسارت‌های معنوی / تألیف محسن اسماعیلی.
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۶ ص.
فروست	: انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره انتشار ۴۵۹۴.
شابک	: 978-964-03-7432-0
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۱۷ - ۱۴۰.
موضوع	: خسارت معنوی (فقه)
موضوع	: Damages, Intellectual (Islamic law)
موضوع	: خسارت معنوی - - قوانین و مقررات - - ایران
موضوع	: Damages, Intellectual - - Law and legislation - - Iran
شناسه افزوده	: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات.
رده‌بندی کنگره	: BP۱۹۸/۶ ۱۴۰۲
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۰۷۴۰۱۶

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان است. تکثیر کتاب به هر روش اعم از فتوکپی، ریسوگرافی، تهیه فایل‌های pdf، لوح فشرده، بازویسی در وبلاگ‌ها، سایت‌ها، مجله‌ها و کتاب، بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست و موجب پیگرد قانونی می‌شود و تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است.
(این کتاب با کاغذ حمایتی به چاپ رسیده است.)



عنوان: امکان‌سنجی جبران مادی خسارت‌های معنوی
تألیف: دکتر محسن اسماعیلی
ویرایش ادبی: داود رضانی
نوبت چاپ: اول
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲
شمارگان: ۱۰۰ نسخه
ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران
چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران
«مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف است»
بها: ۹۰۰,۰۰۰ ریال

خیابان کارگر شمالی - خیابان شهید فرشی مقدم - مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران
پست الکترونیک: press@ut.ac.ir - تارنما: <http://press.ut.ac.ir>
بخش و فروش: تلفکس ۸۸۳۳۸۷۱۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

مقدمه.....	ذ
فصل اول- طرح مسئله و تقسیم مباحث.....	۱
۱-۱ طرح مسئله و اهمیت آن.....	۱
۲-۱ تقسیم مباحث و تبیین آن.....	۴
فصل دوم- اصول و شرایط عمومی مسئولیت.....	۷
۱-۲ ارکان سه گانه تحقق مسئولیت.....	۷
۲-۲ مفهوم اجمالی خسارت و ضرر.....	۹
۳-۲ شرایط خسارت و ضرر قابل مطالبه.....	۱۱
فصل سوم- مفهوم، اقسام و پیشینه خسارت معنوی.....	۱۹
۱-۳ مفهوم و تعریف خسارت معنوی.....	۱۹
۲-۳ اقسام خسارت معنوی.....	۲۴
۳-۳ خسارت مختلط.....	۲۷
۴-۳ سیر تاریخی جبران مالی خسارت‌های معنوی در حقوق ایران.....	۲۸
فصل چهارم- اثبات مسئولیت ناشی از خسارت‌های معنوی؛ دلایل و ملاحظات.....	۳۱
۱-۴ بی‌نیازی از دلیل خاص.....	۳۱
۲-۴ صدق «ضرر» بر آسیب‌های معنوی.....	۳۲
۳-۴ لزوم ناشی شدن آسیب‌های معنوی از فعل نامشروع.....	۳۷
۴-۴ لزوم مشروع و مسلم بودن حقوق معنوی آسیب‌دیده.....	۴۱

فصل پنجم- ایرادهای مخالفان جبران مادی خسارت‌های معنوی و پاسخ

آن		۴۵
۱-۵ ایراد نظری		۴۶
۲-۵ ایراد فنی		۴۹
۳-۵ ایراد اخلاقی		۴۹

فصل ششم- شناسایی و حمایت از حقوق معنوی در فقه

۱-۶ به رسمیت شناختن حقوق معنوی و حرمت تعرض به آن		۵۳
۲-۶ نمونه‌هایی از مجازات شرعی به دلیل تجاوز به حقوق معنوی		۵۵
۳-۶ اتفاق نظر در مورد امکان جبران غیرمالی خسارت‌های معنوی		۵۷
۴-۶ مخالفت فقهای شورای نگهبان با جبران مالی خسارت‌های معنوی		۵۹
۵-۶ اختلاف آرای دادگاه‌ها در خصوص جبران مالی خسارت‌های معنوی		۶۱

فصل هفتم- امکان‌سنجی جبران مادی خسارت‌های معنوی به‌عنوان

«تعزیر»		۶۷
۱-۷ مفهوم، جایگاه و اهداف تعزیر		۶۸
۲-۷ عدم انحصار شیوه تعزیر به «ضرب» و امکان تعزیر مالی		۷۱
۳-۷ امکان شمول تعزیر نسبت به گناهان صغیره		۸۱
۴-۷ عدم توقف مدعا بر امکان تعزیر نسبت به گناهان صغیره		۹۰
۵-۷ امکان تعزیر برای حمایت از حقوق خصوصی اشخاص		۹۲
۶-۷ عدم اختصاص تعزیر مالی به بیت‌المال		۹۲

فصل هشتم- امکان‌سنجی جبران مادی خسارت‌های معنوی به‌عنوان

«ضرر»		۹۷
۱-۸ مستندات قاعده «لاضرر» و نظریات مختلف پیرامون مفاد آن		۹۸
۲-۸ شمول لفظی قاعده «لاضرر» نسبت به خسارت‌های معنوی		۱۰۳

مقدمه

مسئولیت مدنی از جمله مهم‌ترین و پرکاربردترین مباحث حقوقی به‌شمار می‌رود که درصدد شناسایی زیان و راه‌های جبران آن است. لزوم احترام به نظم عمومی و حق مالکیت دیگران، ایجاب می‌کند کسی سبب ورود ضرر به دیگران نشود، اما همه ما خواسته یا ناخواسته شاهد وقوع چنین اتفاقاتی بوده و هستیم، پس به‌ناچار باید به چگونگی جبران آن اندیشید. این ضرورت، زمینه‌ساز پیدایش، رشد، تنوع و توسعه نظریه‌های متفاوت علمی و رویه‌های مختلف عملی و قضایی در باب مسئولیت مدنی و چهره‌های گوناگون ضرر شده است.

یکی از نوپیداترین، جذاب‌ترین و کاربردی‌ترین این مباحث، چگونگی جبران خسارت‌های معنوی است. مقصود، سخن گفتن از قواعد عام مسئولیت مدنی یا حتی به رسمیت شناختن خسارت معنوی و حکم به لزوم جبران آن نیست. اینها گفت‌وگوهای لازم و مفیدی است که خوشبختانه به‌اندازه کافی محور توجه قرار گرفته و می‌توان به‌عنوان اصول موضوعه از آنها عبور کرد. نگارنده نیز در اوایل دهه ۷۰ که هنوز این گفت‌وگوها به مرز کفایت نرسیده بود، نخستین تلاش‌های پژوهشی خود را در این زمینه سامان داد و به دست انتشار سپرد.

اما پرسش نوین و مهمی که اینک بیشتر مطرح شده و موضوع اصلی این کتاب را تشکیل می‌دهد، امکان‌سنجی «جبران مادی» این‌گونه خسارت‌هاست. به بیان دیگر، با مفروض گرفتن قواعد عمومی مسئولیت مدنی و قبول این واقعیت که پدیده‌ای به نام خسارت معنوی هم وجود دارد که باید جبران شود، پرسش اصلی این پژوهش آن است که آیا می‌توان این‌گونه زیان‌ها را از طریق حکم به پرداخت مال جبران کرد یا نه؟

گذشته از آنکه این پرسش در سایر نظام‌های حقوقی هم از لحاظ امکان یا مطلوبیت تقویم و جبران زیان‌های معنوی با مال، چالش‌برانگیز شده است، به‌ویژه در حقوق ما پس از غیرشرعی دانستن حکم به جبران مادی خسارت‌های معنوی از سوی فقهای شورای نگهبان، با موانعی اساسی مواجه شد، چراکه حقوق ما تماماً مبتنی بر شرع است و مرجع تشخیص مغایرت یا عدم مغایرت با شرع نیز فقیهان شورای نگهبان هستند (اصل چهارم قانون اساسی).

از آن زمان که شورای نگهبان در سال ۱۳۶۴ اعلام کرد «تقویم خسارات معنوی به مال و امر مادی مغایر موازین شرعی است»، همواره پرسش‌ها و نقدهایی از سوی حقوق‌دانان و دادرسان بر این نظریه وارد شده و حتی به دلایلی که خواهیم دید، نتوانسته مانع صدور چنین احکامی در دادگاه‌ها شود. نیازهای زمانه و اختلاف رویه‌ای که در آرای قضایی دیده می‌شود، ایجاب می‌کند بار دیگر از خود بپرسیم: آیا واقعاً جبران خسارت‌های معنوی از راه حکم به پرداخت مال هیچ توجیهی ندارد، یا می‌توان استدلال‌هایی برای اثبات جبران صدور چنین احکامی در فقه امامیه ارائه داد؟

فرضیه ما این است که این راه مسدود نیست، بلکه چاره‌ای جز پیمودن آن نداریم. برای اثبات این فرضیه، ابتدا باید از «شناسایی و حمایت از حقوق معنوی در فقه» سخن گفت تا به رسمیت شناختن حقوق معنوی و حرمت تعرض به آن از نگاه شریعت عیان شود. نمونه‌هایی از مجازات شرعی به دلیل تجاوز به حقوق معنوی را هم می‌آوریم و به این نکته مهم نیز اشاره می‌کنیم که در مورد امکان و چه‌بسا وجوب جبران غیرمالی خسارت‌های معنوی اتفاق نظر وجود دارد و مخالفت فقهای شورای نگهبان فقط با جبران مالی خسارت‌های معنوی بوده است. سپس از دو قاعده مسلم فقهی برای اثبات فرضیه خود مدد جست‌ایم؛ یکی قاعده «التعزیر علی ما یراه الحاکم» و دیگری قاعده «لاضرر ولاضرار».

در تبیین استدلال به قاعده تعزیر، نخست به «مفهوم، جایگاه و اهداف تعزیر» اشاره و با توجه به فلسفه یا حکمت آن، «عدم انحصار شیوه تعزیر به ضرب و امکان تعزیر مالی» را اثبات کرده‌ایم. تطبیق این نتیجه بر خسارت‌های معنوی ممکن است با دو اشکال مواجه شود؛ اختصاص تعزیر به گناهان کییره و اختصاص آن به جزای عمومی و دولتی. در

پاسخ گفته‌ایم که اولاً «امکان شمول تعزیر نسبت به گناهان صغیره» هم وجود دارد، ضمن آنکه «عدم توقف مدعا بر امکان تعزیر نسبت به گناهان صغیره» را نباید از یاد برد. ثانیاً «امکان تعزیر برای حمایت از حقوق خصوصی اشخاص» نیز وجود دارد و با توجه به «عدم اختصاص تعزیر مالی به بیت‌المال»، دلیلی بر لزوم واریز تعزیر مالی به خزانه دولت در دست نیست.

به‌منظور بیان چگونگی استدلال به قاعده نفی ضرر نیز پس از بررسی تحلیلی «مستندات قاعده لاضرر و نظریات مختلف پیرامون مفاد آن»، «شمول این قاعده نسبت به خسارت‌های معنوی از نظر الفاظ» و سپس «از نظر ملاک» را نتیجه گرفته‌ایم. این استدلال نیز ممکن است با دو اشکال روبه‌رو شود. آنچه زیر عنوان «شمول قاعده لاضرر نسبت به احکام عدمی و امکان اثبات حکم با آن» و «شمول قاعده لاضرر نسبت به امکان جبران مادی خسارت‌های معنوی» خواهیم خواند، پاسخی است که به این دو ایراد احتمالی داده‌ایم.

نگاهی انتقادی به «شیوه‌های ارزیابی مالی خسارت‌های معنوی در دادگاه‌های ایران» پایان‌بخش این استدلال‌هاست تا مبادا از مشکلات اجرایی نظریه پیشنهادی غفلت کرده باشیم. در هر حال، مقصد و مقصود اصلی این کتاب همان است که گفته شد، اما به‌عنوان مبانی نظری و مبادی منطقی بحث چاره‌ای جز «طرح مسئله و تقسیم مباحث» کتاب، اشاره‌ای بس گذرا به «اصول و شرایط عمومی مسئولیت» و «مفهوم، اقسام و پیشینه خسارت معنوی» نیست. موضوع‌شناسی ضرورتی انکارناپذیر است که گاهی در پرتو اهتمام به شناخت حکم مغفول واقع می‌شود و ما خواسته‌ایم از آن پرهیز کرده باشیم.

همچنین در خصوص «اثبات مسئولیت ناشی از خسارت‌های معنوی» در فقه، دلایل و ملاحظات خاصی وجود دارد که در فصلی جداگانه به بحث گذاشته خواهد شد، همان‌گونه که بدون بررسی «ایرادهای مخالفان جبران مادی خسارت‌های معنوی و پاسخ آن» ادعای این تحقیق ناتمام خواهد بود. همه اینها آغاز بی‌ادعای راهی است که بدون راهنمایی و نقد اهل نظر به سرانجام نخواهد رسید.

دکتر محسن اسماعیلی

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران